

بشر نیست بشتره او میلی داشت غاب
آی قات در این سخن بودی **قطعه**
نه انجان بنو مشغولم ای برهنی ز جا
که یاد خوابتیم در صیبر می آید
سازد لذت نغمه که در بدنه بر درونم
اکس مقابله بیم که بسری آید
بهرات کس کفچه که کفایت در خواب
در اس من اجتهاد میکنی در ادب
نفس من هم نظر فرمای تا در اخلاقم الزامی
بینی که مرا آن بسند یاری آید برام
مطالع کردان تا بتبدیلان مشغول
شوقم گفت ای سیر این سخن از
د بگر می براس که آن نظر که مایه است
جز هفتای بیم **قطعه** چشم بد آید
که بر کده یاد عیب نماید هفتای در
نظر که هفتای در اسری و هفتای عیب
در دست نه بتبدیل مجاز آن یک **قطعه**

بشر نیست بشتره او میلی داشت غاب
آی قات در این سخن بودی **قطعه**
نه انجان بنو مشغولم ای برهنی ز جا
که یاد خوابتیم در صیبر می آید
سازد لذت نغمه که در بدنه بر درونم
اکس مقابله بیم که بسری آید
بهرات کس کفچه که کفایت در خواب
در اس من اجتهاد میکنی در ادب
نفس من هم نظر فرمای تا در اخلاقم الزامی
بینی که مرا آن بسند یاری آید برام
مطالع کردان تا بتبدیلان مشغول
شوقم گفت ای سیر این سخن از
د بگر می براس که آن نظر که مایه است
جز هفتای بیم **قطعه** چشم بد آید
که بر کده یاد عیب نماید هفتای در
نظر که هفتای در اسری و هفتای عیب
در دست نه بتبدیل مجاز آن یک **قطعه**

بشر نیست بشتره او میلی داشت غاب
آی قات در این سخن بودی **قطعه**
نه انجان بنو مشغولم ای برهنی ز جا
که یاد خوابتیم در صیبر می آید
سازد لذت نغمه که در بدنه بر درونم
اکس مقابله بیم که بسری آید
بهرات کس کفچه که کفایت در خواب
در اس من اجتهاد میکنی در ادب
نفس من هم نظر فرمای تا در اخلاقم الزامی
بینی که مرا آن بسند یاری آید برام
مطالع کردان تا بتبدیلان مشغول
شوقم گفت ای سیر این سخن از
د بگر می براس که آن نظر که مایه است
جز هفتای بیم **قطعه** چشم بد آید
که بر کده یاد عیب نماید هفتای در
نظر که هفتای در اسری و هفتای عیب
در دست نه بتبدیل مجاز آن یک **قطعه**

بشر نیست بشتره او میلی داشت غاب
آی قات در این سخن بودی **قطعه**
نه انجان بنو مشغولم ای برهنی ز جا
که یاد خوابتیم در صیبر می آید
سازد لذت نغمه که در بدنه بر درونم
اکس مقابله بیم که بسری آید
بهرات کس کفچه که کفایت در خواب
در اس من اجتهاد میکنی در ادب
نفس من هم نظر فرمای تا در اخلاقم الزامی
بینی که مرا آن بسند یاری آید برام
مطالع کردان تا بتبدیلان مشغول
شوقم گفت ای سیر این سخن از
د بگر می براس که آن نظر که مایه است
جز هفتای بیم **قطعه** چشم بد آید
که بر کده یاد عیب نماید هفتای در
نظر که هفتای در اسری و هفتای عیب
در دست نه بتبدیل مجاز آن یک **قطعه**

بشر نیست بشتره او میلی داشت غاب
آی قات در این سخن بودی **قطعه**
نه انجان بنو مشغولم ای برهنی ز جا
که یاد خوابتیم در صیبر می آید
سازد لذت نغمه که در بدنه بر درونم
اکس مقابله بیم که بسری آید
بهرات کس کفچه که کفایت در خواب
در اس من اجتهاد میکنی در ادب
نفس من هم نظر فرمای تا در اخلاقم الزامی
بینی که مرا آن بسند یاری آید برام
مطالع کردان تا بتبدیلان مشغول
شوقم گفت ای سیر این سخن از
د بگر می براس که آن نظر که مایه است
جز هفتای بیم **قطعه** چشم بد آید
که بر کده یاد عیب نماید هفتای در
نظر که هفتای در اسری و هفتای عیب
در دست نه بتبدیل مجاز آن یک **قطعه**